

تفسیر سوره کوثر (جلسه دوم)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (۲) إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

در تفسیر سوره کوثر عرض کردیم که باید در سه مرحله پیش برویم؛ در مرحله اول یک مروری داشته باشیم بر دیدگاه مفسران درباره حقیقت کوثر که این در جلسه قبل بحث شد. در مرحله دوم صرف نظر از روایاتی که در این باره صادر شده این سوره را بررسی بکنیم با تکیه بر قرائن درون متنی و آیات مرتبط. این بخش هم در جلسه قبل بحث کردیم و تاملاتی داشتیم و آن تاملات را هم به عرض شما و به سَمَع شما عزیزان رساندیم.

مرحله سوم

اما در مرحله سوم عرض کردم که فارغ از دیدگاه مفسران درباره حقیقت کوثر به اینکه چه تفسیری از حقیقت کوثر دارند باید برویم ببینیم که روایات در این زمینه ما را به کجا می‌رسانند و بر اساس روایات مقصود از کوثر چیست؟

مرحوم مجلسی بابی را باز کردند در جلد هشتم بحار الانوار در مباحث معاد تحت همین عنوان کوثر و حوض، سی و چند روایت مرحوم مجلسی درباره حوض یا نحر کوثر از حضرات معصومین و وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام نقل کرده است.

دیگر مفسران و محدثان شیعه هم روایاتی را در باب حقیقت کوثر و ویژگی های کوثر ذکر کرده اند. بنده براساس موضوع، تأملی داشتم بر این روایات، این روایات را دسته بندی کردیم، بر چند دسته قرار دادیم. ابتدا یک مروری میکنیم بر این روایات در قالب بخش های مختلف، بعد انشاءالله به یک جمع بندی می رسیم و بعد نکات پایانی.

روایاتی که درباره کوثر، حقیقت کوثر آمده، یک دسته از آن روایات ویژگی های ظاهری و جسمانی کوثر را بیان میکند. مثلاً در روایتی پیامبر بزرگوار اسلام میفرماید، این روایت که عرض میکنم اکثر قریب به اتفاق در بحار الانوار هست، بخشی از آن هم در نور الثقلین و اینها.

پیامبر بزرگوار اسلام در توصیف کوثر میفرماید:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ لَمَّا نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكَوْثَرَ قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) مَا هُوَ الْكَوْثَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَهْرٌ أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِهِ قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) إِنَّ هَذَا النَّهْرَ شَرِيفٌ فَانْعَتُهُ لَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ يَا عَلِيُّ الْكَوْثَرُ نَهْرٌ يَجْرِي تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَاءُهُ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ أَلْيَنُ مِنَ الزَّبْدِ حَصَاؤُهُ الزَّبْرَجْدُ وَ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ حَشِيشُهُ الزَّعْفَرَانُ تُرَابُهُ الْمَسْكُ الْأَذْفَرُ قَوَاعِدُهُ تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يَدَهُ عَلَى جَنْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ هَذَا النَّهْرَ لِي وَ لَكَ وَ لِمُحِبِّيكَ مِنْ بَعْدِي .

عبد الله بن عباس گوید: چون سوره «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكَوْثَرَ» نازل شد، علی بن ابی طالب (علیه السلام) عرض کرد: ای رسول خدا کوثر چیست؟ فرمودند: نهری است، که خداوند به من کرامت نموده است. علی (علیه السلام) عرض کرد: این نهی گرانقدری است، پس ای رسول خدا آن را برای ما توصیف کن. فرمودند: آری ای علی، کوثر نهری است که از زیر عرش خدای عزّ و جلّ جاری است، آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از کره نرم تر است، سنگریزه هایش زبرجد و یاقوت و مرجان، گیاهش زعفران، خاکش مشک خوشبو و پایه هایش به زیر عرش خدای عزّ و جلّ استوار است. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست به پهلوی امیر المؤمنین (علیه السلام) زدند و فرمودند: یا علی، این نهی از آن من و تو و دوستان تو پس از من خواهد بود.

در روایتی دیگری امام صادق علیه السلام در توصیف ویژگی های جسمانی کوثر میفرماید که: کوثر یک نهی است که هر کسی اگر از این آب، از این نهی، بنوشد؛ در واقع همه طعم ها و لذت ها را یکجا به دست آورده. کوثر یک طعم ندارد، یک لذت ندارد، همه لذت هایی که حتی شما انتظار در واقع بهره بردن آن را از کوثر ندارید، در کوثر فراهم است. ... لیذیقه من ضروب الطعام ما لا یشتهی أن یصدر عنه...^۱؛ طعم های مختلف، لذت های مختلف را آن لذت ها و طعم هایی که گمان انسان نمیکند که این نهی داشته باشد، این نهی در واقع دارد. (و فی حدیث معتبر عن الإمام الصادق (ع) قال: «إن الموجه قلبه لنا لیفرح یوم یرانا عند موته فرحة لا تزال تلك الفرحة فی قلبه حتی یرد علینا الحوض، و إن الكوثر لیفرح بمحبنا إذا ورد علیه، حتی إنه لیذیقه من ضروب الطعام ما لا یشتهی أن یصدر عنه، یا مسمع من شرب منه شربة لم یظمأ بعدها أبدا، و لم یشق

بعدها أبدا، و هو فی برد الکافور و ریح المسک و طعم الزنجبیل، أحلی من العسل، و ألین من الزبد، و أصفی من الدمع، و أذکی من العنبر، یخرج من تسنیم، و یمر بأنهار الجنان، تجری علی رضراض الدر و الیاقوت.... و ما من عین بکت لنا إلا نعمت بالنظر إلى الكوثر، و سقیت منه من أحبنا، و إن الشارب منه لیعطی من اللذة و الطعم و الشهوة له أكثر مما یعطاه من هو دونه فی حبنا).

بعد می فرماید که امام صادق علیه السلام... من شرب منه شربة لم یظماً بعدها أبدا، و لم یشق بعدها أبدا...؛ اگر کسی از این نهر بنوشد، نه بعد از آن تشنه می شود، نه بعد از آن دچار سختی و رنج و امثال اینها میشود. بعد می فرماید که این نهر کوثر **یخرج من تسنیم**؛ این کوثر از چشمه تسنیم هست. چشمه تسنیم بر اساس گزارش قرآن کریم، یک چشمه ای است که اختصاص به انبیا دارد، اختصاص به مقربین و مخلصین دارد. اختصاص به اولیا و اوصیا پیامبران دارد.

قرآن کریم می فرماید که چشمه ای هست در بهشت که ابرار از آن می نوشند **یسقون من ریح مختوم**؛ آن چشمه ای که ابرار از آن چشمه می نوشند، آن اسمش ریح مختوم است. بعد میفرماید که این ریح مختوم **مزاجه من تسنیم**؛ یک بهره ای از تسنیم دارد، یک مقدار از چشمه تسنیم در واقع گرفته شده و در این ریح مختوم اضافه شده؛ یعنی یک بهره اندکی ابرار از تسنیم دارند؛ اما خود تسنیم چشمه ای است که مقربان از آن می نوشند.

امام صادق علیه السلام می فرماید که اصل کوثر و این نهر از تسنیم است. از آنجا سرچشمه می گیرد. سرازیر میشود و جریان پیدا میکند.

بعد امام صادق علیه السلام می فرماید که این نهر **کوثر یمر بأنهار الجنان**: از همه نهرهای بهشت عبور میکند؛ یعنی یک نوع اتصال و پیوندی با دیگر نهرهای بهشت دارد. بعد میفرماید: این نهر یک رائحه ای دارد، یک بوی خوشی دارد که **یوجد ریحه من مسیره الف عام** این بوی خوش این نهر پیداست؛ یعنی اگر هزار سال در هر فاصله ای با سرعت از این نهر عبور کنیم، باز این بو به مشام شان می رسد و آن را استشمام می کنند.

در روایت می فرماید امام صادق علیه السلام که: این نهر کوثر، این کوثر، یک بوی خوش ندارد همه بوهای خوش را در این کوثر می توان استشمام کرده و دارد.

نکته دیگر که دقیق است این است که امام صادق علیه السلام می فرمایند: **إِنَّ الشَّارِبَ مِنْهُ لِيُعْطَى مِنَ اللَّذَةِ وَ الطَّعْمِ وَ الشَّهْوَةِ لَهُ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْطَاهُ مِنْهُ هُوَ دُونَهُ فِي حُبِّهَا**؛ میفرماید که نهر کوثر یک نهر است. اما هر کسی که از این نهر مینوشد، به میزان محبت و ولایتی که نسبت به ما دارد، لذت می برد. این یک امر واحد است، یک نهر واحد است، یک آب واحد است، اما برای همه یک لذت ندارد، یک میزان لذت ندارد. دو نفر همزمان اگر از این نهر بنوشند، لذت و بهره ای که می برند به میزان محبت و ولایتی است که نسبت به ما اهل بیت عصمت و طهارت دارند.

نکته دیگر این هستش که امام علیه السلام می فرماید در روایات داریم هم امام صادق علیه السلام هم از دیگر حضرات معصومین برخی از روایات به ما می گویند که موطن کوثر، جایگاه کوثر، محشر است، زمین محشر است. برخی از روایات میگویند: نه؛ کوثر در بهشت عدن است، در بهشت جاودان است.

مجموع این روایات به ما می خواهند بگویند که کوثر از زمین محشر عبور میکند و وارد بهشت میشود؛ یعنی هم در محشر این کوثر وجود دارد هم در بهشت وجود دارد. هر دو جا نه، یک نهر واحدی است که دو تا موطن دارد. در برخی از روایات داریم که این کوثر نهر است؛ مثل همین روایات که خوندیم.

برخی از روایات را داریم که **کوثر حوض است**، حوض کوثر است. حوض یعنی آنجایی که آب در آن جمع می شود. محلّ اجتماع آب است. نهر؛ یعنی آن چیزی که جریان دارد. پس کوثر دو ویژگی دارد: هم اجتماع دارد، جامع است و هم ساری است و جریان دارد هم جامع خیرات است هم آن خیرات جریان پیدا می کنند و سیلان پیدا می کند. این بخش اول روایات.

در بخش دوم روایات ویژگی های باطنی کوثر ذکر شده. یعنی یک ویژگی هایی برای کوثر ذکر شده که این ویژگی از جنس شراب و آب و طعم و لذت و بو و امثال اینها نیست. در روایتی پیامبر بزرگوار اسلام میفرماید که این کوثر از اختصاصات من است؛ یعنی یکی از ویژگی های باطنی و فراجسمانی کوثر این است که اختصاص به پیامبر اکرم دارد. یعنی دیگر انبیا و دیگر رسولان چه پیامبران اولوالعزم چه پیامبران غیر اولوالعزم کوثر ندارند.

کوثر یک چیزی است که اختصاص به پیامبر اکرم دارد. این دست از روایات باز تعدادشان زیاد است؛ مثلاً در روایتی پیامبر بزرگوار اسلام می فرمایند ان الله تعالی اکرمنی به دون الانبیا خداوند متعال به من کرامت کرد و کوثر را فقط به من داد من کوثر دارم. انبیا دیگر ندارند. انبیا دیگر کوثر ندارند این از اختصاصات من است.

(أَعْلَامُ الدِّينِ لِلدِّيْنِيِّ مِنْ كِتَابِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاقْدُ سِئِلَ عَنِ الْحَوْضِ فَقَالَ أَمَا إِذَا سَأَلْتُمُونِي عَنِ الْحَوْضِ فَإِنِّي سَأَخْبِرُكُمْ عَنْهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَكْرَمَنِي بِهِ دُونَ الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّهُ مَا بَيْنَ آيَلَةٍ إِلَى صَنْعَاءَ يَسِيلُ فِيهِ خَلِيجَانِ مِنَ الْمَاءِ مَاؤُهُمَا أَيْضٌ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ بَطْحَاؤُهُمَا مِسْكٌ أَذْفَرُ حَصْبَاؤُهُمَا الدَّرُّ وَالْيَأْقُوتُ شَرْطٌ مَشْرُوطٌ مِنْ رَبِّي لَا يَرُدُّهُمَا إِلَّا الصَّحِيحَةُ نِيَّاتُهُمْ النَّقِيَّةُ قُلُوبُهُمْ الَّذِينَ يُعْطُونَ مَا عَلَيْهِمْ فِي يُسْرٍ وَلَا يَأْخُذُونَ مَا لَهُمْ فِي عُسْرِ الْمُسْلِمُونَ لِلْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِي يَذُودُ مَنْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِهِ كَمَا يَذُودُ الرَّجُلُ الْجَمَلَ الْأَجْرَبَ عَنْ إِبِلِهِ.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، جلد ۸، صفحه ۲۸- شناسه حدیث : ۲۱۰۲۵۰۲۱)

باز در روایت دیگری پیامبر بزرگوار اسلام می فرمایند که حوض کوثر، حوضی است که خداوند متعال به وسیله آن به من کرامت کرد و فضلنی علی من کان قبلی من الانبیا و مرا برتری داد بر انبیا. آن چیزی که باعث برتری من بر انبیا است همین کوثر است. با دادن کوثر به من مرا برتری داد، فضیلت داد نسبت به انبیا دیگری.

(أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ، قَالَ: أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيُّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ السَّعْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْحَمَّانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ طَرِيفٍ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سِئِلَ عَنِ الْحَوْضِ فَقَالَ: أَمَا إِذَا سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ فَأَخْبِرُكُمْ أَنَّ الْحَوْضَ أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِهِ، وَفَضَّلَنِي عَلَيَّ مَنْ كَانَ قَبْلِي مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، وَهُوَ مَا بَيْنَ آيَلَةٍ وَصَنْعَاءَ، فِيهِ مِنَ الْآنِيَةِ عَدَدُ نَجُومِ السَّمَاءِ، يَسِيلُ فِيهِ خَلِيجَانِ مِنَ الْمَاءِ، مَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ، وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، حَصَاهُ الزُّمْرُودُ وَالْيَأْقُوتُ، بَطْحَاؤُهُ مِسْكٌ أَذْفَرُ، شَرْطٌ مَشْرُوطٌ مِنْ رَبِّي لَا يَرُدُّهُ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي إِلَّا النَّقِيَّةُ قُلُوبُهُمْ، الصَّحِيحَةُ نِيَّاتُهُمْ، الْمُسْلِمُونَ لِلْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِي، الَّذِينَ يُعْطُونَ مَا عَلَيْهِمْ فِي يُسْرٍ، وَلَا يَأْخُذُونَ مَا عَلَيْهِمْ فِي عُسْرِ، يَذُودُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِهِ كَمَا يَذُودُ الرَّجُلُ الْبَعِيرَ الْأَجْرَبَ مِنْ إِبِلِهِ، مَنْ شَرِبَ مِنْهُ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا. الأماي (للطوسي) ، جلد ۱ ، صفحه ۲۲۷

اما در روایاتی باز پیامبر بزرگوار اسلام میفرماید که کوثر {۱۲:۳۹ نامفهوم} فی جنه عدن و هو لی و لک و لفاطمه و الحسن والحسین و لیس لاحد فیه شی. این روایات به حضرت علی علیه السلام است. پیامبر بزرگوار اسلام میفرماید یا علی کوثر برای من است، اختصاص به من دارد و به تو و به فاطمه سلام الله علیها و به امام حسن و امام حسین و لیس لاحد فیه شی هیچ کس دیگری در میان خلایق الهی در واقع بهره ای از این کوثر ندارند این کوثر فقط اختصاص به ما پنج تن دارد.

در روایت دیگری پیامبر بزرگوار اسلام میفرماید: **يَا عَلِيُّ وَاللَّهِ مَا هُوَ لِي وَحَدِي** اینکه فقط اختصاص به من دارد؛ نخیر. **وَإِنَّمَا هُوَ لِي وَ لَكَ وَ لِمُحِبِّكَ مِنْ بَعْدِي** : کوثر برای من است، برای دوست و برای دوستان تو و شیعیان تو بعد از من است.

(تفسیر فرات بن ابراهیم] ، عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ مَعْنَعًا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ نَبِيَّ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكَوْثَرَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ شَرَّفَ اللَّهُ هَذَا النَّهْرَ وَ كَرَّمَهُ فَانْعَمْتُ لَنَا قَالَ نَعَمْ يَا عَلِيُّ الْكَوْثَرُ نَهْرٌ يُجْرِي اللَّهُ مِنْ تَحْتِ عَرْشِهِ مَاءٌ أَيْضٌ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ آئِنٌ مِنَ الزُّبْدِ حَصْبَاءُ الدَّرِّ وَ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ تُرَابُهُ الْمَسْكُ الْأَذْفَرُ حَشِيشُهُ الزَّعْفَرَانُ يُجْرِي مِنْ تَحْتِ قَوَائِمِ عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثَمَرُهُ كَأَمْثَالِ الْقَلَالِ مِنَ الزَّبْرِجَدِ الْأَخْضَرِ وَ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ وَ الدَّرُّ الْأَبْيَضُ يَسْتَبِينُ ظَاهِرُهُ مِنْ بَاطِنِهِ وَ بَاطِنُهُ مِنْ ظَاهِرِهِ فَبَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَصْحَابُهُ ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا عَلِيُّ وَاللَّهِ مَا هُوَ لِي وَحَدِي وَ إِنَّمَا هُوَ لِي وَ لَكَ وَ لِمُحِبِّكَ مِنْ بَعْدِي . امام باقر (علیه السلام) ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) - بحار الأنوار ، جلد ۸ ، صفحه ۲۷ - شناسه حدیث : ۲۲۵۰۱۶)

پس ببینید یک روایت گفت اختصاص به من دارد، انبیا در آن سهم ندارند و از ویژگی های من است. بعد فرمود این کوثر مال من هست و مال حضرت علی علیه السلام است، حضرت زهرا سلام الله علیها و حسنین علیهم السلام. بعد فرمود مال شیعیان دوست.

در یک روایت دیگری به حضرت علی علیه السلام میفرمایند یا علی انت صاحب حوضی تو صاحب حوض منی تو متولی حوض منی، این روایت تفسیر میکند روایت قبلی را که حوض کوثر اختصاص به وجود مقدس پیامبر اکرم صلوات الله علیه دارد و امیرالمؤمنین صاحب این حوض است متولی این حوض است. وجود مقدس

مقدس حضرات معصومین متولی و صاحب این حوض هستند. اولاً به ذات اختصاص به پیامبر اکرم دارد بعد اختصاص به حضرات معصومین دارد به این معنا.

(و رَوَى فِيهِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ! أَنْتَ صَاحِبُ حَوْضِي، وَصَاحِبُ لَوَائِي، وَمُنْجِزُ عِدَاتِي، وَحَبِيبُ قَلْبِي، وَوَارِثُ عِلْمِي، وَأَنْتَ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَنْتَ أَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَأَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَأَنْتَ رُكْنُ الْإِيمَانِ، وَأَنْتَ مَصْبَاحُ الْهُدَى، وَأَنْتَ مَنَارُ الدُّجَى، وَأَنْتَ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ مَنْ تَبِعَكَ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْكَ هَلَكَ، وَأَنْتَ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ، وَأَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، وَأَنْتَ قَائِدُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَأَنْتَ يَعْسُوبُ الدِّينِ وَالْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْتَ مَوْلَى مَنْ أَنَا مَوْلَاهُ، وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ؛ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا طَيِّبُ الْوَلَادَةِ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا خَبِيثُ الْوَلَادَةِ، وَمَا عَرَجَ بِي [رَبِّي - عَزَّ وَجَلَّ] - إِلَى السَّمَاءِ قَطُّ وَكَلَّمَنِي رَبِّي إِلَّا قَالَ [لِي]: يَا مُحَمَّدُ! أَقْرَأُ عَلَيْكَ مِنْ عِلْمِي وَالسَّلَامَ وَعَرَفَهُ أَنَّهُ إِمَامُ أَوْلِيَائِي وَنُورُ أَهْلِ طَاعَتِي؛ فَهَيِّنَا لَكَ يَا عَلِيُّ [هَذِهِ الْكِرَامَةَ]. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، حدیث قدسی - المحاضر ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴۱)

در روایت دیگری پیامبر بزرگوار اسلام به حضرت علی علیه السلام فرمود: يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَشِيعَتِكَ عَلَى الْحَوْضِ ؛ تو و شیعیان تو کنار حوض هستید. تَسْفُونَ مَنْ أَحْبَبْتُمْ وَتَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ؛ هر کسی را که تو و شیعیان دوست داشته باشید از این حوض به او می نوشانیم، از این کوثر به او می دهیم. هر کس را که دوست نداشته باشید او را منع اش می کنید از کوثر، او را دورش می کنید از کوثر. پس در روایت قبل فرمود متولی و صاحب حوض امیرالمومنین است و اینجا فرمود متولی امیر المومنین و شیعیان است. باز آن رابطه طولیه است؛ اولاً و بالذات صاحب حوض امیرالمومنین و حضرات معصومین هستند بعد شیعیان علی علیه السلام هستند.

شیعیان این جوری فقط بهره ببرند از حوض؛ بلکه نوعی صاحب حوض هستند. نوعی مالکیت دارند از حوض و به هر کسی بخواهند می دهند.

فِي أَمَالِي الصَّدُوقِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَدِيثٌ طَوِيلٌ وَفِيهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَشِيعَتِكَ عَلَى الْحَوْضِ تَسْفُونَ مَنْ أَحْبَبْتُمْ وَتَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ، وَأَنْتُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ، يَفْزَعُ النَّاسُ وَلَا تَفْزَعُونَ وَيَحْزَنُ النَّاسُ وَلَا تَحْزَنُونَ. فَيَكُمُ نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا

الْحُسْنَى أَوْلَيْكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ «وَفِيكُمْ نَزَلَتْ: لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».

این یکی از ویژگی های در واقع باطنی کوثر بود که اختصاص به وجود مقدس پیامبر اکرم دارد لاغیر اولاد و بالذات بعد حضرات معصومین در رتبه بعد و بعد شیعیان.

مطلب دیگری که در روایات داریم ویژگی دومی باطنی که برای کوثر ذکر شده این است که کوثر یک پیوندی با عرش خدا دارد. باز در روایتی پیامبر بزرگوار اسلام می فرمایند: الْكَوْثَرُ نَهْرٌ يَجْرِي تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ تَعَالَى؛ کوثر یک نهری است که از عرش خدا، از زیر عرش خدا جریان پیدا می کند یعنی یک پیوندی و اتصالی با عرش خدا دارد. از آنجا آمده، از آنجا آغاز شده، از آنجا نشأت گرفته، مبدأش عرش خداست.

(الْشَيْخُ فِي (أَمَالِيهِ) قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ - يَعْنِي الْمُفِيدُ - قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّلْتِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو كُدَيْنَةَ، عَنْ عَطَاءٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ، قَالَ: لَمَّا أَنْزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «مَا هُوَ الْكَوْثَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟». قَالَ: «نَهْرٌ أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِهِ». قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ هَذَا النَّهْرَ شَرِيفٌ، فَأَنْعَمْتَ لَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» قَالَ: «نَعَمْ يَا عَلِيُّ، الْكَوْثَرُ نَهْرٌ يَجْرِي تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ تَعَالَى، مَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ أَلْيَنُ مِنَ الزَّبْدِ، حَصَاهُ الزَّبْرَجْدُ وَ أَلْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ، حَشِيشُهُ الزَّعْفَرَانُ، تُرَابُهُ الْمَسْكُ الْأَذْفَرُ، قَوَاعِدُهُ تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ». ثُمَّ ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَدَهُ عَلَى جَنْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ قَالَ: «يَا عَلِيُّ، إِنَّ هَذَا النَّهْرَ لِي، وَ لَكَ، وَ لِمُحِبِّكَ مِنْ بَعْدِي».

وَ رَوَاهُ الْمُفِيدُ فِي (أَمَالِيهِ) قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ الْمُهَلْبِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْبَغْدَادِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّلْتِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو كُدَيْنَةَ، عَنْ عَطَاءٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ، قَالَ: لَمَّا نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ 🌸 قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «مَا هُوَ الْكَوْثَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ». وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِعَيْنِهِ

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) - تفسیر البرهان، جلد ۵، صفحه ۷۷۲)

در روایت دیگری میفرماید **الكوثرُ نهرٌ یجری اللهُ من تحت عرشه؛**

کوثر را خدا به جریان انداخته. خدا جاریش کرده در روایت قبل گفت جاری شده است از عرش، در این روایت می فرماید که خداوند جاری کرد این کوثر را از عرش خودش، از زیر عرش خودش.

پس کوثر یک پیوندی با عرش دارد. مبدأش عرش خداست؛ اما نکته مهمی که در اینجا هست این هست که از نگاه قرآن کریم و روایات حضرات معصومین اصولاً عرش الهی از امور جسمی و جسمانیات نیست. عرش خداوند متعال یک مرتبه فرامادی دارد. یعنی از ملکوت است، از جبروت است. وجود ملکوتی و جبروتی دارد. عرش خدا اینجور نیست که یک تختی باشد؛ در واقع یک صندلی بزرگی یا تختی باشد. عرش خدا یعنی مقام تدبیر، مقام علم و قدرت و سلطنت و اداره هستی، تدبیر هستی. خُب حالا کوثر از آنجا نشأت گرفته است. با عرش پیوند دارد؛ یعنی با عرشی که وجود فرامادی دارد و مبدأ تدبیر عالم است. مبدأ در واقع پرورش و ربوبیت الهی نسبت به عالم و به ماسواالله است.

پس کوثر با توجه به این دسته از روایات یک جنبه و وجه جسمانی دارد که نهر است و حوض است و با این ویژگی هایی که عرض کردیم. یک وجه باطنی و جنبه ملکوتی دارد که پیوند با عرش خداوند متعال دارد؛ یعنی با آن مقام و مبدأ تدبیر عالم، مبدأ خلقت، مبدأ انشاء عالم، مبدأ رزق عالم پیوند و ارتباط دارد.

در بخشی از روایات داریم که این کوثر محل ورود ثقلین بر وجود مقدس پیامبر اکرم صلوات الله علیه هست. در حدیث معروف ثقلین داریم موقعی که پیامبر بزرگوار اسلام فرمودند: **اِنِّی تَارُکُم فِیْکُمُ الثَّقَلِیْنِ کِتَابَ اللهِ وَ عِتْرَتِی** بعد در ادامه فرمود: اینها از هم جدا نمیشوند **لَمْ یَفْتَرَقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلٰی الْحَوْضِ؛** این عترت، حقیقت عترت من و حقیقت قرآن، در حوض من وارد می شوند. مراد از وارد شدن قرآن، این قرآن ملحوظ نیست، این قرآن مکتوبی که در اوراق و صفحات هست نیست، که این قرآن با به اصطلاح حضرات معصومین در پیامبر بزرگوار اسلام وارد می شود. حقیقت قرآن. آن معارف حقیقی و باطن و عترت در حوض بر من وارد میشوند در دنیا از هم جدا نمی شوند. حقیقت عترت و حقیقت قرآن با هم پیوند دارند.

در قیامت هم همین پیوند برقرار است و بر من وارد می شوند در حوض. چرا حوض را ذکر کرد؟ به خاطر اینکه یک نقشی دارد اینجا حوض. یعنی حوض یک پیوندی با قرآن دارد. یک پیوندی با عترت دارد که محل اجتماع قران و عترت هست.

یک دسته از روایات داریم که این روایات می فرمایند: شرط رستگاری امت ها، نوشیدن از این نهر کوثر است. امام باقر علیه السلام در روایت مفصلی می فرماید که :

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الطُّوسِيِّ عَنْ أَبِيهِ الشَّيْخِ السَّعِيدِ الْمُنْفِيدِ أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُؤُوبِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورِ الْعَمِّيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ محبوبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الرَّاسِبِيَّ رَوَاهُ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرِ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَرَاهُ حُفَاهُ فَيَقِفُونَ عَلَى طَرِيقِ الْمَحْشَرِ حَتَّى يَعْرِفُوا عَرَقًا شَدِيدًا وَ تَشْتَدُّ أَنْفُسُهُمْ فَيَمَكُتُونَ بِذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا قَالَ ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَلْقَاءِ الْعَرْشِ أَيْنَ النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ قَالَ فَيَقُولُ النَّاسُ قَدْ أَسْمَعْتَ فَسَمِّ بِاسْمِهِ فَيَنَادِي أَيْنَ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ فَيَقُومُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَتَقَدَّمُ أَمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى حَوْضِ طُولِهِ مَا بَيْنَ أَيْلَةٍ وَ صَنْعَاءَ فَيَقِفُ عَلَيْهِ ثُمَّ يَنَادِي بِصَاحِبِكُمْ فَيَقُومُ أَمَامَ النَّاسِ فَيَقِفُ مَعَهُ ثُمَّ يُؤْذَنُ لِلنَّاسِ فَيَمْرُونَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَيْنَ وَارِدِ يَوْمئِذٍ وَ بَيْنَ مَصْرُوفٍ فَإِذَا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ يُصْرَفُ عَنْهُ مِنْ مُحِبِّينَا بَكَى وَ قَالَ يَا رَبُّ شِيعَةُ عَلِيٍّ قَالَ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ مَلَكًا فَيَقُولُ لَهُ يَا مُحَمَّدُ مَا يَبْكِيكَ فَيَقُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كَيْفَ لَا أَبْكِي وَ أَنَا مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَرَاهُمْ قَدْ صُرِفُوا تَلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ وَ مَنَعُوا مِنْ وُرُودِ حَوْضِي قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ يَا مُحَمَّدُ قَدْ وَهَبْتَهُمْ لَكَ وَ صَفَحْتَ لَكَ عَنْ ذُنُوبِهِمْ وَ الْحَقَّتْهُمْ بَكَ وَ مَنْ كَانُوا يَتَوَلَّوْنَهُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ جَعَلْتَهُمْ فِي زُمَرَتِكَ وَ أوردتَهُمْ حَوْضَكَ وَ قَبِلْتَ شَفَاعَتَكَ فِيهِمْ وَ أَكْرَمْتَهُمْ بِذَلِكَ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَمْ مِنْ بَاكِ يَوْمئِذٍ وَ بَاكِئَةٍ يَنَادُونَ يَا مُحَمَّدَاهُ إِذَا رَأَوْا ذَلِكَ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ يَوْمئِذٍ كَانَ يَتَوَلَّانَا وَ يُحِبُّنَا إِلَّا كَانَ مِنْ حَزْبِنَا وَ مَعَنَا وَ وُرِدَ حَوْضَنَا.

(امام باقر (علیه السلام) ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، حدیث قدسی - بشاره المصطفی (ص) ، جلد ۱ ، صفحه ۳)

اذا كان يوم القيامة؛ موقعی که روز قیامت برپا می شود، جَمَعَ اللَّهُ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ توجّه بفرمایید. روز قیامت که برپا می شود، خداوند همه انسان ها و اُمت ها را از اولین و آخرین جمع می کند. همه انسان ها از حضرت آدم علیه السلام تا آخرین انسانی که در آستانه قیامت بوده همه را جمع می کند. ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَلْقَاءِ الْعَرْشِ أَيْنَ النَّبِيِّ الْأُمِّيُّ، من یک بخش هایی از این روایت را می خوانم. سپس موقعی که همه انسان ها و خلائق جمع شدند، یک منادی از آن مقابل عرش الهی که باز عرش را عرض کردیم یک وجود جسمانی یا یک تخت جسمانی نیست، از مقام ملکوتی، مقام تدبیر عالم ندا داده میشود، پیامبر اُمّی کجاست؟

خُب خیلی از مردمان و خلائق، پیامبر اکرم را به عنوان پیامبر اُمّی نمی شناسند که خداوند متعال عرض می کند که فَيَقُولُ النَّاسُ قَدْ أَسْمَعْتَ فَسَمِّ بِاسْمِهِ، شما یک فردی را نام بردی ولی نامش را بگو تا بدانیم کیست؟

فَيُنَادِي أَيْنَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. منادی دوباره ندا می دهد آن پیامبر رحمت کجاست؟ که وجود مقدس پیامبر اکرم باشد ببینید باز اینجا مساله رحمت آمد، نبی رحمت آمد، نفرمود این خاتم الانبیا، این خاتم الرُّسُل، فرمود آين نَبِيِّ الرَّحْمَةِ. انا ارسلناك رحمة للعالمين - و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين: ما تو را نفرستادیم مگر رحمت باشی برای عالمین و همه انسان ها.

حالا نبی رحمة برخیزد فَيَقُومُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ پیامبر بزرگوار اسلام بلند می شود از میان جمعیت فَيَتَقَدَّمُ أَمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ؛ امامت همه انسان ها را بر عهده می گیرد، رهبری همه انسان ها از پیامبران و غیر پیامبران را بر عهده می گیرد حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى حَوْضٍ. داریم که : به حوض می رسد، کنار حوض می رسد.

حالا حوض چه وسعتی دارد؟ حضرت می فرماید وسعت این حوض به اندازه فاصله میان آیله و یمن است؛ طُولُهُ مَا بَيْنَ آيَلَةَ وَصَنْعَاءَ. ثُمَّ يُنَادِي بِصَاحِبِكُمْ. بعد ندا دوباره داده می شود از عرش الهی که امام و پیشوای شما چه کسی است؟

امام و رهبر شما چه کسی است؟ امیر المومنین علی علیه السلام بلند می شود به عنوان امام امت، امام همه انسانها. و باز می روند در کنار حوض، در کنار وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام می ایستند.

خطاب می رسد به همه انسان ها: هر کسی میخواهد وارد در بهشت بشود. باید از این حوض بنوشد. از این چشمه، از این نهر کوثر بنوشد. امام میفرماید که فَبَيْنَ وَارِدٍ يَوْمَئِذٍ وَبَيْنَ مَصْرُوفٍ؛ یک عده از انسانها اجازه پیدا

می کنند بیایند کنار این حوض کوثر و از این حوض به اذن امیرالمومنین و پیامبر اکرم بنوشند، عده ای هم محروم می شوند، دور می شوند یعنی اجازه داده نمی شوند که نزدیک شوند.

پیامبر بزرگوار اسلام می بیند که در میان این محرومین شیعیان، یک عده از شیعیان امیرالمومنین علیه السلام هم هستند که عرض می کند به پروردگار عالم که **يَا رَبُّ شِيعَةُ عَلِيٍّ** می فرماید که شیعیان حضرت علی علیه السلام را آزاد بگذارید. آنها از کنار حوض، رد شوند و از این حوض بنوشند. این یک روایت.

در روایت دیگری داریم که پیامبر بزرگوار اسلام می فرماید که در روز قیامت که من در کنار حوض کوثر هستم گروهی از اصحاب من و اُمّت من اجازه پیدا نمی کنند کنار حوض بیایند و از این حوض بنوشند. من خطاب می کنم به پروردگار عالم **يَا رَبُّ أَصْحَابِي أَصْحَابِي فَيَقَالُ لِي إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ**؛ خطاب می رسد ای پیامبر تو مگر نمیدانی، نمیدانی آنچه که بعد از تو این ها ایجاد کردند. خُب پیامبر اکرم می داند بعد از خودش این اصحاب چه کار کرده اند.

ولی خطاب می رسد که بالاخره اینها به خاطر رفتاری که داشتند الان محروم هستند.

یک روایت دیگری داریم باز این روشن تر می کند این بخش را. این بحث روایاتی است که می خواهند بگویند **شرط رستگاری امت ها نوشیدن از کوثر است**، همه امت ها. همه امت ها از آغاز خلقت تا روز قیامت باید از این کوثر بهره ببرند تا بتوانند وارد در بهشت بشوند.

امام صادق علیه السلام میفرماید که در روز قیامت که همه انسان ها از قبر بیرون می آیند و شرط ورودشان در بهشت نوشیدن از کوثر است امیرالمومنین علیه السلام عده زیادی را دور می کند از کوثر، اجازه نمی دهد از کوثر بنوشند. یک عده از همین ها نزدیک کوثر می شوند؛ یعنی انگار از میان ملائکه عبور میکنند و به کنار حوض کوثر می آیند. امیرالمومنین اجازه نمی دهند که از حوض کوثر بنوشند. به امیرالمومنین عرض میکنند که ما مسلمانیم، ما شهادتین گفتیم، ما قران می خواندیم، ما نماز می خواندیم، ما اسلام را قبول داشتیم.

امیرالمومنین علیه السلام میفرماید که نه؛ شما امام نداشتید. امامی که الان به تو اجازه بدهد و شفاعت کند که از این حوض بنوشی، تو چنین امامی نداشتی، برو از امامت بخواه. آن کسانی را که در دنیا امام خودت قرار دادی آنها بیایند به تو از این حوض بنوشانند. در جواب به امیرالمومنین عرض می کنند که امام من از من براثت جست.

آن کس که امام من بود و رحمت من بود نمیتواند به من یاری برساند از من برائت جسته و من از تشنگی هلاک می شوم.

امیرالمومنین نفرین می کند می فرماید: **فَيَقُولُ زَادَكَ اللَّهُ ظَمًا وَ زَادَكَ اللَّهُ عَطْشًا**

خدا عطش تو را زیاد بکند. راوی از امام صادق علیه السلام سوال می کند، شما فرمودید یک عده نمی توانند نزدیک در حوض کوثر بشوند و محرومند و یک عده نزدیک حوض کوثر می شوند، بعد محروم می شوند. چه چیزی باعث می شود که این عده بتوانند بیایند و نزدیک حوض بشوند، کنار حوض باشند ولی از حوض ننوشند. این علتش چه چیزی هست که نمیتوانند نزدیک شوند؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند که به خاطر این است که اینها اهل ورع بودند، مسلمان بودند، اهل تقوا بودند، نماز می خواندند، روزه می گرفتند، گناهان را ترک میکردند؛ اما محبت ما را نداشتند، اعتقاد به ما نداشتند، به ما دشنام نمی دادند، چون به ما دشنام نمی دادند و نماز میخواندند و گناه نمی کردند و ورع داشتند اجازه پیدا کردند نزدیک حوض کوثر بشوند. اما چون ناصبی بودند نوعی در دلشان، می دانستند ما بر حق هستیم ولی آنرا اظهار نمی کردند و ظاهر نمی کردند، اعلام نمی کردند، پس منافق بودند؛ چون منافق بودند، اینها محروم می شوند از نوشیدن حوض کوثر و وارد شدن در بهشت.

در بخشی از روایات داریم که اصولاً کوثر همان خیر است. ببینید در این بخش دوم که گفتیم روایات را دسته بندی بکنیم یک بخش، ویژگی های جسمانی و صوری نهر کوثر، یک بخش، ویژگی های معنوی و باطنی، در این بخش ویژگی های باطنی باز چند قسم شد، یک قسم میفرماید کوثر یعنی خیر.

راوی میگوید از امام صادق علیه السلام سوال کردم اینکه مسلمانان و مومنان موقعی که میخواهند یک نفر را دعا کنند میگویند جزاک الله خیرا مُرادشان چیست؟ خدا جزای خیر به تو بدهد یعنی چی؟

فقال علیه السلام امام صادق علیه السلام در معانی الأخبار جلد ۱ صفحه ۱۸۲ فرمود خیری که خدا می دهد یعنی:

...إِنَّ الْخَيْرَ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ مَخْرَجُهُ مِنَ الْكُوْثِرِ وَالْكَوْثِرُ مَخْرَجُهُ مِنْ سَاقِ الْعَرْشِ

؛ خیر یک نهی است در بهشت که از کوثر شروع می شود از کوثر نشات می گیرد و خود کوثر از پایه های عرش الهی نشات می گیرد. این روایت می خواهد بگوید که هر خیری که در عالم هست، خیرهای جسمانی، خیرهای معنوی، یک ارتباطی با کوثر دارد. از کوثر نشات گرفته است.

در بخشی از روایات داریم کوثر همان شفاعت است. از امام صادق علیه السلام سوال فرمودند که کوثر چیست؟ انا اعطیناک الکوثر یعنی چی؟ امام صادق فرمودند که هو الشفاعه. کوثر همان مقام شفاعت کبری است. مقام شفاعت عظمی است که اختصاص به پیامبر بزرگوار اسلام و حضرات معصومین دارد. چون پیامبر بزرگوار اسلام است که شفاعت کبری و عظمی دارد؛ یعنی همه امت ها و همه انسان ها و پیامبران محتاج شفاعت او هستند.

این شفاعت پیامبر اکرم نسبت به پیامبران و امت ها که توضیحاتش را در یکی از جلسات دادیم در یکی از دو جلسه قبل توضیح دادیم که شفاعت کبری یعنی چی. امام صادق علیه السلام میفرمایند: کوثر همان شفاعت کبری است. همان شفاعت عظمی هست.

در بخش دیگری از روایات داریم که پیامبر بزرگوار اسلام میفرمایند که: جبرئیل مقام من را در کوثر نشان داد و مقام اهل بیت من را در کوثر نشان داد. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُرَانِي جِبْرَائِيلَ مَنَازِلِي وَمَنَازِلَ أَهْلِ بَيْتِي عَلَى الْكُوْثَرِ. جبرئیل جایگاه من را و جایگاه اهل بیت من را در کوثر نشان داد. نسبت من را و نسبت اهل بیت من را با کوثر نشان داد. (بحار الأنوار، جلد ۸، صفحه ۲۵)

خُب ببینید ما الان این روایاتی که دیدیم روایات پراکنده ای بود، یک بخشی، ویژگی های جسمانی را می گفت یک بخشی، ویژگی های معنوی را می گفت، باز همین بخش ها در واقع نکات مهمی داشتند. یکی از ویژگی های بارزی که در این روایات هست این هست که کوثر یک حقیقتی است که پیوند با عرش دارد، پیوند و اتصال با عرش دارد یک جنبه ملکوتی و فراجسمانی دارد و یک جنبه جسمانی.

بعد در روایت فرمود که این اختصاص به پیامبر اکرم دارد، جایگاه پیامبر اکرم و اهل بیت است. در روایت دیگر فرمود این شفاعت عظمی هست، شفاعت کبری است، همان شفاعتی که پیامبر اکرم دارد. در روایت دیگر فرمود این کوثر چیزی که هر امتی یا هر یک از پیروان پیامبران، اگر بخواهند وارد در بهشت شوند و یا مقام بهشتی پیدا کنند باید یک بهره ای از کوثر داشته باشند، در واقع جامی از این کوثر بنوشند.

در روایتی گفت کوثر ولو اینکه نهر واحد است، اما برای هر کسی که از اومی نوشد یک اثری دارد، یک لذتی دارد، یک طعمی دارد، طعم واحدی ندارد. آن وقت معیار این لذت و بهره بردن از کوثر هم برمی گردد باز به حُبنا به ولایتنا به محبتنا.

اگر بخواهیم مجموعه این روایات را که عرض کردیم نتیجه گیری بکنیم، آن نتیجه ای که از این روایات که به ذهن بنده می رسد این است که کوثر یک جنبه جسمانی دارد و مادی دارد همانی که روایت آن را خواندیم. یک ظاهری دارد که همانی است که در روایت آمده و خواندیم نهر و حوض است و جریان دارد و در محشر است و در قیامت است و اینها.

یک باطنی دارد. یک حقیقت باطنی دارد. آن باطن، کوثر و حقیقت کوثر، آن مقام قُرب و ویژه پیامبر بزرگوار اسلام است نسبت به خداوند متعال. همان چیزی که پیامبر اکرم فرمودند: **اول ما خلق الله نوری**؛ اول چیزی که خدا خلق کرد نور من بود. این نور من واسطه میان خداوند متعال و ماسوی الله شد. یا همان چیزی است که عرفا در عرفان نظری مثل مُحی الدین و دیگران می گویند **حقیقت محمدیه**. عرفا می فرمایند حقیقت محمدیه، اولین چیزی است که از خدا صادر شده است و آن واسطه میان رحمت خدا، فیض خدا، تدبیر خدا و ربوبیت خداست و ماسوی الله؛ یعنی هر فیضی که به ما سوی الله می رسد از ناحیه آن حقیقت محمدیه می باشد.

باز در روایت خواندیم که کوثر یک ارتباطی با عرش دارد. یک پیوندی با عرش دارد و عرش هم گفتیم یعنی مقام تدبیر، مقام فیض رسانی، مقام ایجاد و خلقت و رزق دادن و حیات دادن. پس کوثر که اختصاص به پیامبر اکرم دارد، یعنی آن مقام وساطتی که میان خداوند متعال و ماسوی الله دارد.

انا اعطیناک الکوثر؛ یعنی ما چنین حقیقتی به تو دادیم، یک منزلتی دادیم. بین ما و تو هیچ چیز دیگری نیست. بعد از ما تو هستی، حقیقت توست، نور توست. آن جنبه باطنی و ملکوتی توست و از اینجاست که به عوالم وجود می رسند. او موقع این کوثر که همان حقیقت محمدیه یا نور وجود مقدس پیامبر اکرم است که آن مقام قرب ویژه پیامبر اکرم هست. این جلوه های مختلفی دارد، مظاهر مختلفی دارد.

یک مظهرش قرآن است، یک مظهرش وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها هست، یک مظهرش شفاعت هست، یک مظهرش در واقع دستگیری از امت ها هست. یک مظهرش اذن ورود دادن به بهشت است. اینها مظاهر مختلف کوثر است.

پس کوثر یک حقیقت واحد است. همان که اختصاص به پیامبر بزرگوار اسلام دارد و بعد، حضرات معصومین. این جلوه های مختلفی دارد قرآن و اسلام و توحید و نبوت و رسالت و شفاعت و اینها، اینها مظاهر این کوثر هستند و یک وجه ظاهری وجود جسمانی هم دارد که به صورت نهر است و حوض است و برترین لذات را دارد، برترین بوها و طعم ها را دارد و امثال اینها.

بنابراین اگر بگوییم کوثر وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها است؛ این یکی از مظاهر کوثر هست. انا اعطیناک الکوثر یعنی یک حقیقتی به تو دادیم که یک جلوه اش وجود مقدس حضرت هست یک جلوه اش وجود مقدس حضرات معصومین است یک جلوه اش قرآن است، یک جلوه اش شفاعت است و دیگر مظاهری که دارد.

بعد از این به آیه **فصل لربک و انحر** می رسم. این تفسیری که از آن روایات آوردیم با آن تفسیری که از مرحوم علامه طباطبایی نقل کردیم در جلسه قبل که ایشان میفرمایند: **کوثر یعنی ذریه وجود مقدس پیامبر اکرم صلوات الله علیه** باز این قابل جمع است و عرض کردیم که مرحوم علامه طباطبایی صرفاً نگاه به آیات این سوره می کند. یعنی **نگاه درون متنی** دارند با توجه به سیاق سوره و آیات فرمودند که کوثر یعنی ذریه وجود مقدس پیامبر اکرم و این درست است. اما یک مصداق اش، یک مظهرش، یک جلوه کوثر این است. یک جلوه اش نبوت است، یک جلوه اش قرآن است.

باز اگر خاطر شریف تان باشد در جلسه قبل عرض کردیم که بزرگواری مثل شهید مطهری می فرمایند که **کوثر همان مقام وحی و نبوت است**. این که می فرماید: **انا اعطیناک الکوثر؛ یعنی ما به تو وحی دادیم، نبوت دادیم**. طبق تفسیری که ما از این روایات کردیم و جمع بندی کردیم، وحی و نبوتی که مرحوم شهید مطهری می فرمایند که **مُراد از کوثر است، یکی از مصادیق کوثر می شود وحی و نبوت**. یکی از مصادیق می شود ذریه، یکی از مصادیق می شود شفاعت و دیگر مصادیقی که دارد.

اما آیه **فصل لربک و انحر**، در این جا فرمود که چون ما به تو کوثر دادیم، انا اعطیناک الکوثر، این را هم فقط به تو دادیم. دیگر انبیا ندارند؛ چون دیگر انبیا واسطه میان من و مخلوقات نیستند، تو واسطه هستی. تو حقیقت

محمدیه هستی به تعبیر عرفا یا تو اول ما خلق الله هستی به تعبیر روایاتی که داریم. دیگر انبیا به این مرتبه نرسیدند. واسطه میان من و ما سوی الله نیستند، از اختصاصات توست.

حالا که یک چنین ویژگی به تو دادیم، چنین منزلتی به تو دادیم فصل لربک و انحر پس نماز برپای بدار و نحر بکن و شتری را قربانی کن.

امر به نماز کرد و گفت به شکرانه این نعمت عظیمی که دادیم تو نماز به جا بیاور. فَصَلْ نَفَرَمُودَ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ مِثْلَ سُورَةِ عَصْرِ دَرِ اَنْجَا كِه فرمود اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربك. اینجا نَفَرَمُودَ فَسَبِّحْ، گفت فصل لربک نماز بر پا بدار؛ نگفت تسبیح بکن.

شاید به خاطر این باشد که این منزلت و مقام قُربی که ما به تو دادیم در این عالم دنیا اگر آن منزلت و مقام را بخواهی حفظ کنی نیازمند به یک نیروی باطنی معنوی هستی که او حفظ شود. و او با نماز حفظ می شود. این نماز است که ذکر الله الاکبر است، این نماز است که برترین طهارت ها، برترین نورها، برترین استواری ها را به قلب می دهد. به همین خاطر هم در سوره مزمل فرمود: تو باید نماز شب بخواهی یا ایها المزمل. قم الیل الا قلیلا. بلند شو نصف شب را چند ساعتی را باید به عبادت و نماز بگذرانی چرا؟

انا سُنَلْقٰی عَلَیْكَ قَوْلًا ثَقِیْلًا به خاطر این که یک قرآنی را ما می خواهیم به تو بدهیم و پیاده کردن این قرآن، اجرای این قرآن نیازمند یک روح استوار و قوی دارد که او با نماز فراهم می شود.

و انحر که در اینجا آمده دو تفسیر برای آن ذکر شده است. مستحضر هستید بعضی ها گفتند که یعنی قربانی کن به خاطر این نعمت بزرگی که به تو دادیم همان نماز برپا بدار، هم شتری را قربانی کن، نحر کن. روایات زیادی از حضرات معصومین داریم و مفسرین به پیروی از این روایات مثل مرحوم علامه طباطبایی و دیگران فرمودند که مراد از نحر یعنی این است که موقعی که میخواهی تکبیر بگویی تکبیره الاحرام بگویی مثلا این دستاتو تا مقابل گوشت بالا بیاور، بعد در واقع نمازت را شروع کن و تکبیر بگو.

این هم تفسیری است که مفسرین شیعه و برخی از مفسرین عامه این تفسیر را پذیرفتند. مرحوم شهید مطهری اینجا یک نکته ی لطیفی را از این بخش هر سوره استفاده می کنند. ایشان می فرمایند که اینکه ما دستهای مان را

در مقابل گوشه‌ایمان موقع نماز بالا می‌بریم یا پیامبر بزرگوار اسلام مامور شدند که این کار را انجام بدهند در نماز، این به خاطر این است؛ یعنی همه تعلقات دنیوی را پشت سر باید بیندازی .

من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق چارتکبیر زدم یک سره بر هر چه که هست

تا قبل از اینکه دنیا را و تعلقات دنیوی را از خودت دور نکنی، نمی‌توانی وارد نماز بشوی، نمی‌توانی تکبیر بگویی و نمازت را شروع کنی.

ان شائک هو الابرار در جلسه قبل یک تفسیری کردیم و نیازی به تکرار این بخش نیست. ان شاء الله که خداوند متعال ما را همواره در دنیا و آخرت در واقع مشمول و متنعم بکند از نعمت کوثر هم ظاهر کوثر و هم باطنش ان شاء الله.